

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۸ اپریل ۲۰۱۴

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم!

رفیق قربانعلی زرکاری



قربانعلی زرکاری در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده کارگر و زحمتکش در محله خزانه فرح آباد تهران به دنیا آمد. وی در همان محله به مدرسه رفت و خیلی زود به دلیل شرایط اقتصادی خانواده به کارگری پرداخت. وی مدت ها در کارخانه های کفش وین و کفش ملی کار کرد. کار در کارخانه های بزرگ در حالی که به او در تأمین زندگی خود و خانواده اش کمک می کرد در همان حال مکتبی بود برای شناخت و درس آموزی از شرایط کار و مبارزه کارگران ایران که در زیر سلطه نظام سرمایه داری وابسته و رژیم دیکتاتوری حامی آن شیرۀ جانشان روزانه کشیده می شد و وحشیانه استثمار می شدند. با توجه به جو سیاسی خانواده به خصوص به دلیل حضور و تأثیرات برادر بزرگترش، چریک فدائی خلق رفیق کارگر یوسف زرکاری که پس از تحمل یک سال شکنجه و زندان با فریب ساواکی ها ، از زندان آزاد و دوباره به سازمان پیوسته بود (او در بهمن ۱۳۵۲ در جریان یک درگیری با نیرو های سرکوبگر شاه در اصفهان به شهادت رسید) از هر فرصتی برای بالا بردن آگاهی خود سود می جست و به همین دلیل هم در حین کار به تحصیلاتش ادامه داد و توانست دیپلم بگیرد.

اما او کارگری نبود که نسبت به هم طبقه ای های خود بی تفاوت باشد به همین دلیل هم در حین تحصیل در همان محله جنوب شهر عصرها برای بچه هایی که قادر به تحصیل نبودند کلاس های درس برگزار می کرد. این کلاس ها فرصتی به او می داد تا علاوه بر یاد دادن خواندن و نوشتن به آن کودکان ، در مورد فجایع نظام حاکم سرمایه داری نیز برای آن

ها صحبت کرده و آن‌ها را به مبارزه علیه این فجایع دعوت کند. همان‌طور که خودش نیز هر چه دانش و آگاهی‌اش بالاتر می‌رفت و شناختش از محیط کار و ظلم و جور سرمایه‌دار و سرکوب بی‌وقفه اعتراضات و مبارزات به حق کارگران بیشتر می‌شد عزمش به مبارزه برای نابودی این نظام دوچندان می‌گشت. قربانعلی کارگری بود که به دلیل کار در کارخانه‌های بزرگی چون کفش ملی و کفش وین مظالم سرمایه‌داری را با گوشت و پوست خود لمس کرده و به ضرورت مبارزه برای نابودی قطعی این نظام استعمارگرانه باوری عمیق پیدا کرده بود. نظامی که به عینه می‌دید با توسل به اعمال یک دیکتاتوری شدیداً قهرآمیز به کارگران اجازه نمی‌دهد که حتی از نظر تلاش برای رسیدن به مطالبات اقتصادی خود هم متشکل شوند.

رفیق قربانعلی در جریان مطالعات خود و تجربیات زندگی کارگری‌اش به این نتیجه رسیده بود که رهائی کارگران تنها به دست خودشان امکان‌پذیر می‌باشد و قرار نیست کسان دیگری به جای کارگران آن‌ها را از مظالم سرمایه‌داری رها سازند. به همین دلیل آستین‌ها را بالا زده و به مبارزه انقلابی برای نابودی نظام حاکم پیوست. در همین راستا در سال ۵۲ از طریق برادر انقلابی‌اش رفیق یوسف زرکاری به سازمان چریک‌های فدائی خلق که برای رهائی کارگران از هرگونه جور و ستم مبارزه مسلحانه را آغاز کرده بود، پیوست تا با همه وجود در راه رهائی طبقه خویش گام بردارد.

رفیق قربانعلی از سال ۵۲ به مدت سه سال در شرایطی که دستگاه سرکوب شاه به هر ترفندی متوسل می‌شد تا مبارزان مسلح را پیدا کرده و نابود سازد در صفوف سازمان با نظم ظالمانه حاکم جنگید و راه رسیدن به آزادی و سوسیالیسم را هموار نمود. در جریان این مبارزه تا پای جان، از آن‌جا که کارگری منظم و دقیق بود از یارانش بسیار آموخت و دانسته‌های خود را وسیعاً به آن‌ها آموزش داد. سرانجام رفیق قربانعلی زرکاری در ۲۶ اردیبهشت [ثور] سال ۵۵ در جریان یورش مزدوران دیکتاتوری حاکم به پایگاهش در «کوی کن»، طی یک درگیری نابرابر اما قهرمانانه به همراه بقیه رفقای این پایگاه تا آخرین گلوله جنگید و به شهادت رسید. این رفیق کارگر در صفوف چریک‌های فدائی خلق با شهادتش نشان داد که به تعهدی که با طبقه خود جهت مبارزه تا رهائی بسته بود تا پای جان وفادار مانده است.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریک‌های فدائی خلق ایران

شماره ۳ ، فروردین ماه [حتل] ۱۳۹۳